

ترجمه: مرتضی مدرسی چهاردهی

شکایت نامه میرزا ابوالقاسم

قائم مقام فراهانی

«۱۱»

خادم دولت و ملت:

و باقی ایستاده بودند در خدمت نایب السلطنه حضرت ولیعهد ، و ایشان هم قرار داده بود اینان را نواب نفوس خودش ، و وسیله و اسباب و اجرا و انجام او امرش چنان در خدمت شب و روز ایستاده بودند که نمی خواستند یکی از ایشان فکر اینکه بیدار باشند دیگری از اینان ، و غیبت نمی کرد مگر آنکه حاضر دیگر از ایشان ، زمانی که زیاد شود عده کمک کاران کم میگردد فشار زمان ، و جلوگیری میشود در نهمت زنان .

اثر یاران با وفا :

وقتی که نگهداری میشویم بوجود دوستان صمیمی و حمایت کنندگان واقعی همیشه هستیم ما در نشاط و خوشی و در زندگانی کامران و کامروا ، نیک بخت تر از طالبان

در راه عدالت اجتماعی :

دست یافته گانیم بآرزوها و آمالمان . کوشش کننده ایم در راه خدمت و خدمت گذارانیم در آستانه دین و دولت . بخرج میدهیم کوشش و جدیت و فائق میآئیم بر مشقت و زحمت ، و هم چنین دور کرده کفر و راحت رسانیدن بخلق و بر قرار کردن عدل، و بپا داشتن حق ، و بر گردانید نمان سر حدات کشور ما را .

بحران اجتماعی و اقتصادی :

پس دیدیم ما امور ملت و کشور را . از بین رفته اند قوا و از هم پاشیده است بسته و پیوسته ی دسته ها . ویران شده است قلاع و ارکان ، و وجود ندارند مددکاران . مردم مانند ملخ های پراکنده و فریاد کنان که کجاست گریزگاهی ، رو آورده اند گردنکشان بشهرها و بلاد ، و زیاده بر زیاده بر پا کرده از آشوب و فساد .

اصلاح امور کشور:

مائیم که بر خاستیم برای اصلاحات و دست بدامن اندیشه و تدبیر زدیم و عجله کردم در تربیت و جمع آوری قشون و تنظیم لشگرها ، و فرستادن پیکها و نامه ها ، و فرو رفتیم در امواج معرکه ها سر سختی کشتندگان باطاعت سلطان و کمک گیرندگان از پروردگار رحمان .

حسن سیاحت قائم مقام :

میآزردیم قومی را با زخم زبان ، و جلب میکردیم قومی را با بخشش

و احسان و به بندگی خودمان در آوردیم با مهر و مهربانی چادر نشینان بیابان را، و استقبال کردیم اشرار و بدان را بوسیله ابرار و نیکوکاران، خودداری نکردیم از هر کاری را که صلاح دانستیم. از جلب خواسته‌ها و ترضیه‌ی قلوب و دور کردن امراض و عیوب، و بخشیدن

لغزش‌ها و ذنوب. و بسیار چیزهای دیگر که میدانند آن را علام الغیوب و تار-است و درست شد کجی کارها و سد گردید و بسته شد رخته‌های سر حدها و التیام پیدا کرد شکستی دل‌های عباد و جمع گردیدند جمعیت شهرها و بلاد و بر گشت بسوی دل ملت و رفتند آنانکه بودند وسیله وسوسه و شیطنت

سیستم مالیاتی :

مقرر دانستیم خراج ملك را بر وفق انصاف و عدل. از عشرت هزارها بواحد کرور. پس گرفتیم از اموال مردم چیزی که طهیر کنند آنها را و موجب تزکیه‌شان گردد بدون تکلیفی شاق، و بر کنار از هر گونه زحمت و مشقتی. بلکه آنها پرداختند از روی میل و رضا که بود و طبق رأی دارالقضاء و امضا مردمان عادل و علماء

دوستی با کشورهای همجوار :

و بعد متوجه دولت‌های همسایه شدیم، و خواندیم آنها را بدوستی و ائتلاف و کمک کرد ما را پروردگار کمک کننده‌ی مهربان در تألیف قلوبشان با مسلمان پس جواب مساعد دادند دعوت ما را و اراده الفت کردند با ما و فرستادند سفراءشان را و تواضع کننده امراءشان را، و هدیه فرستادند بخدمت سلطان هدایائی از هزاران همپیانهای پر بها، از گوهر و در، و بسیاری از

چیزهایی که مورد احتیاج بودند از تدارکات و اسبابها و کمک کرد ما را سلطان عصر . بهر چیزی که امید داشتیم از او ، و آرزوی ما بود از او .
نقش پدر قائم مقام در اصلاح امور :

پس دید پدر نیک بخت مرا که احداث کرده است با کوشش پر رنج و زحمت سنگرها و قلعهها و برجها در سرحدات ملك و گروه گروه سپاهبانی که معارضه بمثل میکند میکنند با اعداء ، و چون این کارها در خور همت پست قوم نبود ، تیز کردند زبان ملامت و طعن را . پس او مرتباً میخواند ایشان را بدانائی و بینائی و نیک نگریستن در امور و شناختن خوب از بد تفکیر پدر قائم مقام :

و آنها باو نسبت تعابیل بانحراف و گمراهی و نصراتی بودن میدادند تا جائی که گفتند قسم بخدا که او عیسی بن مریم است که ظاهر شده است دوباره در میان امم و تمام همتش متوجه ملك نصاری امت خودش است که رواج دهد شعارشان را ، و اسیر کند بر ما اسراشان را . دعوت میکند امروز ما را به بزمی و روش آنها ، و فردا بگمراهی آنها و ندیدیم کسی را که از ما پیروی او کند مگر دسته ای از مردم بی اراده و بی سرو بی پا . ما یافتیم پدرانمان را بر دین و ما هم پیرو آثار آنهائیم و بهمان دین و مذهب باقی خواهیم بود استقامت پدر قائم مقام ؛

همیشه استهزاء میکردند او را منافقان و ، منع میکردند او را دیگران و او

که خدای همیشه بدارد زندگانش را در عرصه‌های جنان، و پایدار بدارد او را در باغستان‌های رضوان. ابداً توجهی بملامت‌های ملامت‌کنندگان و سرزنش‌های سرزنش‌کنندگان نمی‌کرد و اعتنائی باراجیف و گفتارهای بیهوده آنان نداشت

بد نهادان در برابر اصلاحات پدر قائم مقام :

راستی مثل آن بود که تحریص کرده‌اند او را در کاری بر کنارش را آن می‌خواستند، و تشویقش نموده‌اند با تمام عملی که برای آن خوار و زبونش می‌شمردند. چقدر خوب گفته است

حسن هانی شاعر - رب :

ترجمه از شعر عربی :

سخن چینان فرود نیاوردند مقامی را که تو در نزد ما داری. و بهیچ وجه ضرری بر تو نرسانیده است غیبت‌کننده، مثل این است که آنها ندانستند، آنچه را عیب تو میدانند، و می‌شمارند مدح و ثنائی که از تو در نزد ما میکنند.

نقش پدر قائم مقام در راه اصلاح امور :

پس ای قوم عمل کنید شما بروش خودتان و ما عمل کننده‌ایم، پس زود باشد که بدانید نتیجه‌ی کارها راه و شروع بکار کرد، و دامن جهد و کوشش را بر کمر زد و نه ترسید از ملامت ملامت‌کنندگان و از طعنه سرزنش طعنه‌زنان.